

طلاق عاطفی از منظر قرآن و حدیث

تألیف

هوشنگ گل محمدی
عضو هیأت علمی دانشگاه

حسن لاهوتی
مدرس قرآن

سرشناسه	گل محمدی، هوشنگ، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	طلاق عاطفی از منظر قرآن و حدیث/تالیف هوشنگ گل محمدی، حسن لاهوتی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات پژوهش های دانشگاه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۴۵۵ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۵۵۵-۷۶-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	زنشویی - ارتباط - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع	Communication in marriage -- Religious aspects -- Islam
موضوع	زنشویی - اختلاف
موضوع	Marital conflict
موضوع	طلاق - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع	Divorce -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	لاهوتی، حسن، ۱۳۲۸ -
شناسه افزوده	انتشارات پژوهش های دانشگاه
رده بندی کنگره	HQ۷۴۳/۴۸۵۸ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	۶۴۶/۷۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۸۰۱۶۶

عنوان کتاب : طلاق عاطفی از منظر قرآن و حدیث

تالیف : هوشنگ گل محمدی - حسن لاهوتی

ناشر : انتشارات پژوهش های دانشگاه

طراح روی جلد : نعیمه مناف زاده

صفحه آرای : -

چاپ و مصافی : -

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول/ ۱۳۹۵

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۵۵-۷۶-۶

قیمت : ۳۷۰۰۰ تومان

انتشارات پژوهش های دانشگاه



مرکز تخصصی چاپ نشر کتب دانشگاهی ویژه اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه ها

آدرس دفتر مرکزی : آذربایجان شرقی، تبریز، آبرسان، مجتمع تجاری بلور، روبروی کلاتری، داخل حیاط (ضلع شرقی)، پلاک ۳۹
 تلفن های تماس بخش مدیریت : ۰۹۱۴۶۱۴۳۳۴۶/۰۴۱۳۲۲۶۲۱۱۶
 بخش امور فنی : ۰۹۱۴۵۰۱۹۸۵/۰۴۱۳۲۲۵۰۲۴۸
 دفتر اهر : شهرستان اهر - میدان معلم - روبروی دارایی - انتشارات پژوهش های دانشگاه/ دفتر اهر
 تلفن : ۰۳۰۸۱۴۸۴۸۶
 مرکز بخش : آذربایجان شرقی، تبریز، خیابان امام، روبروی سه راه طالقانی، انتشارات شایسته
 تلفن : ۰۴۱-۳۵۵۶۱۹۶۱
www.Unpb.org / Info@unpb.org www.Pajohesh-daneshgah.ir / Info@pajohesh-daneshgah.ir

طبق قانون حمایت از حقوق ناشران و مولفان هر شخص حقیقی و حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر و مولف، نشر یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید مورد پیگیری جدی قانونی خواهد گرفت و مطابق با جرایم قوانین اسلامی برخورد خواهد شد.

فهرست موضوعات

و	تقدیم
ف	راهنمای مطالب
ق	مقدمه

بخش اول: کلیات طلاق

۲	مقدمه
---	-------

فصل یکم: مفاهیم و واژه‌ها

۳	واژه‌ی طلاق
۳	الف: معنای لغوی طلاق
۷	ب: تعریف طلاق در اصطلاح
۸	۱- طلاق در اصطلاح فقهی
۱۱	۲- معنای اصطلاحی طلاق در حقوق موضوعه
۱۱	۳- طلاق در اصطلاح قانون مدنی
۱۲	۴- طلاق در اصطلاح جامعه‌شناسی
۱۲	۵- طلاق در اصطلاح روان‌شناختی
۱۳	۶- طلاق پدیده‌ی اجتماعی
۱۳	ج: کاربرد قرآنی طلاق
۱۵	۱- اقرار به زبان
۱۵	۲- قصد طلاق دادن
۱۶	۳- نگاه‌داشتن عِدّه
۱۷	۴- عِدّه موجب شناسایی نسب
۱۸	۵- رجوع بعد از طلاق
۱۸	۶- اجل عِدّه به معنای پایان کار نیست
۱۸	۷- مانع نکاح نشوید
۲۰	۸- شرایط عِدّه
۲۳	۹- ملاک فضیلت در قنوت
۲۴	د: واژه طلاق عاطفی
۲۶	۱- معنای لغوی طلاق عاطفی

۲۷	۲- معنای اصطلاحی طلاق عاطفی.....
۲۹	۳- کاربرد قرآنی عاطفی.....
۵۰	هـ: واژه‌های قریب‌المعنی.....
۵۰	۱- واژه سراح.....
۵۰	الف: معنای لغوی سراح.....
۵۱	ب: معنای اصطلاحی سراح.....
۵۱	ج: کاربرد قرآنی سراح.....
۶۱	۲- واژه‌ی نشوز.....
۶۱	الف: سنای لغوی واژه‌ی نشوز.....
۶۲	ب: معنای اصطلاحی واژه‌ی نشوز.....
۶۷	ج: کاربرد قرآنی واژه‌ی نشوز.....
۶۸	الف: قرآن.....
۷۶	ب: روایات.....
۷۷	۳- واژه‌ی شقاق.....
۷۷	الف: معنای لغوی واژه‌ی شقاق.....
۷۹	ب: معنای اصطلاحی شقاق.....
۷۹	ج: کاربرد قرآنی واژه‌ی شقاق.....
۸۳	۴- معنای لغوی واژه‌ی هجر.....
۸۴	الف: معنای اصطلاحی واژه‌ی هجر.....
۸۵	ب: کاربرد قرآنی واژه‌ی هجر.....
۹۰	نتیجه.....

فصل دوم: ماهیت طلاق

۹۳	مقدمه.....
۹۵	ماهیت طلاق.....
۹۶	الف: اقسام طلاق.....
۹۹	۱- طلاق عاطفی.....
۹۹	۲- طلاق محضری.....
۱۰۰	الف: طلاق بدعی.....
۱۰۰	ب: طلاق سنتی.....
۱۰۱	اقسام طلاق سنتی.....
۱۰۱	الف: طلاق باین.....

۱۰۲	اقسام طلاق باین
۱۰۵	۱- طلاق خلع
۱۰۵	الف: تعریف خلع در لغت
۱۰۶	ب: تعریف خلع در اصطلاح شرع
۱۰۶	ج: تعریف خلع از دیدگاه حقوق
۱۰۶	د: مشروعیت طلاق خلع
۱۰۷	شان نزول
۱۰۷	هـ: ارکان طلاق خلع
۱۰۷	۱- صیغه
۱۱۰	خلع فسخ است یا طلاق؟
۱۱۲	۲- مخالف
۱۱۲	۳- مختلعه
۱۱۳	۴- فدیة
۱۱۵	۵- حضور گواهان
۱۱۵	۶- کراهت داشتن از شوهر
۱۱۶	۲- طلاق مبارات
۱۱۶	الف: تعریف مبارات در لغت
۱۱۶	ب: تعریف مبارات در اصطلاح شرع
۱۱۷	ج: تعریف مبارات از دیدگاه حقوق دانان
۱۱۷	د: صیغه‌ی طلاق مبارات
۱۱۸	هـ: شباهت‌های طلاق مبارات با خلع
۱۱۸	و: تفاوت‌های طلاق مبارات و خلع
۱۱۹	ب: طلاق رجعی
۱۲۰	۱- تعریف طلاق رجعی
۱۲۰	الف: رجوع در لغت و اصطلاح
۱۲۰	ب: حکمت و فلسفه‌ی عده در طلاق رجعی
۱۲۳	۲- رجوع حق است یا حکم؟
۱۲۳	الف: تعریف حق
۱۲۴	۱- حق مالی
۱۲۵	انواع حق مالی
۱۲۵	الف: حق عینی
۱۲۵	ب: حق دینی

۱۲۵	۲- حق غیر مالی
۱۲۶	ب: تعریف حکم
۱۲۷	ویژگی های حکم
۱۲۷	رجوع حق است یا حکم؟
۱۳۰	۳- اقسام طلاق رجعی
۱۳۰	الف: طلاق عدتی
۱۳۱	ب: طلاق غیر عدتی
۱۳۲	۱- جایگاه حقوقی طلاق
۱۳۲	الف: طلاق در نظام های حقوقی گذشته و حال
۱۳۳	ب: طلاق در نظام حقوقی اسلام
۱۳۳	۱- ارزش گذار - طلاق
۱۳۴	۲- اختصاص حق طلاق به مرد
۱۳۵	ج: توصیفی از پدید آمدن طلاق
۱۳۵	د: عوامل رشد میزان طلاق
۱۳۵	۱- تغییر نگرش ها نسبت به ازدواج
۱۳۵	۲- تغییر ساختار خانواده
۱۳۶	۳- تغییر نقش های جنسیتی
۱۳۶	۴- استقلال اقتصادی زنان
۱۳۶	۵- رفاه اقتصادی
۱۳۷	۶- آزادی روابط جنسی
۱۳۷	۷- تغییر قوانین طلاق
۱۳۷	هـ: مشروعیت طلاق
۱۳۷	۱- کتاب
۱۴۲	شان نزول آیه
۱۴۶	۲- سنت
۱۵۲	۳- عقل
۱۵۵	و: نگرش دین اسلام به طلاق
۱۶۳	۱- مشکلات عاطفی
۱۶۳	۲- مشکلات اجتماعی
۱۶۴	۳- مشکلات فرزندان
۱۶۹	ز: طلاق حسن است یا قبیح؟
۱۷۰	۱- طلاق حسن

۱۷۳	۲- طلاق قَبیح
۱۷۶	ح: چرا اسلام طلاق را تحریم نکرده است؟
۱۸۱	حکم فقهی مسأله‌ی طلاق
۱۸۲	نتیجه

فصل سوم: تاریخچه‌ی طلاق

۱۸۵	مقدمه
۱۸۶	الف: تاریخچه‌ی طلاق
۱۸۶	مصادیق طلاق
۱۸۸	شان نزول این آیه
۱۹۰	۱- طلاق قبل از اسلام و بعد از اسلام
۱۹۰	۲- زندگی زن در ملیت‌ها: عقب‌مانده
۱۹۱	۳- زن در امت‌های پیش‌رفت‌یافته و اسلام
۱۹۵	۴- زن در عرب جاهلیت
۱۹۵	۵- زن در دوره‌ی ظهور اسلام
۱۹۸	ب: تاریخچه‌ی طلاق در کشورهای قرن بیستم
۲۰۲	نتیجه

بخش دوم: عوامل طلاق خانگی

فصل یکم: عوامل فردی

۲۰۵	مقدمه
۲۰۶	عوامل فردی
۲۰۶	۱- فقر و ناداری
۲۱۱	۲- اعتیاد و شراب
۲۱۲	۳- فقر، عاملی زیاد شدن خطا و گناه است
۲۱۳	۴- سخت‌تر از آتش نمرود
۲۱۳	۵- موجب سراسیمگی عقل
۲۱۳	۶- کلید بدبختی
۲۱۳	۷- نومیدی
۲۱۳	۸- انزوای فکری
۲۱۴	۹- بحران مالی از دیدگاه روان‌شناسی
۲۱۵	۱۰- پرخاش‌گری

۲۲۰	۱۱- فقر و رفتارهای انحرافی
-----	----------------------------

فصل دوم: عوامل خانوادگی

۲۲۱	عوامل خانوادگی
۲۲۳	عوامل اختلاف در خانواده
۲۲۳	۱- اعراض از همسر و وجود بخل در میان خانواده
۲۲۴	۲- سحر در میان خانواده‌ها
۲۲۴	۳- اسرار خانواده
۲۲۵	۴- انشای بر
۲۲۶	۵- تبعیض در خانواده
۲۲۷	۶- عرش (بخل)
۲۲۹	۷- رفتار غلط و غیبت‌های در خانواده
۲۲۹	۸- دخالت خانواده‌ها
۲۳۰	۹- ناهماهنگی خانواده
۲۳۱	۱۰- اعتیاد و می‌گساری و عوامل خانوادگی
۲۳۱	۱۱- رفاه اقتصادی خانواده
۲۳۲	۱۲- خیانت
۲۳۲	۱۳- عقیمی
۲۳۲	۱۴- تحمیل سلطه زن
۲۳۳	۱۵- تحقیر زن توسط شوهر
۲۳۳	۱۶- نبودن برنامه‌ی منظم میان زن و شوهر
۲۳۳	۱۷- شک و بدبینی
۲۳۴	۱۸- سوءظن
۲۳۵	۱۹- انگیزه‌ها و عوامل در اشتغال زن

فصل سوم: عوامل اجتماعی

۲۳۹	عوامل اجتماعی
۲۳۹	عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد اعتیاد
۲۳۹	۱- راه و رسم جباران
۲۴۲	۱- ارتباط پنهانی
۲۴۴	۲- سستی اراده‌ی مرد و دهن بینی او
۲۴۴	۳- حسد

۲۴۶	۴- سخن چینی
-----	-------------

فصل چهارم: شرایط علی طلاق عاطفی

۲۵۱	شرایط علی طلاق عاطفی
۲۵۲	شرایط علی طلاق عاطفی
۲۵۳	۱- عدم تأمین نیازهای عاطفی و حقوقی هم‌دیگر
۲۵۴	۲- بی‌توجهی مرد
۲۵۵	۳- بی‌توجهی مرد به فعالیت‌های زن در زندگی مشترک
۲۵۵	۴- بی‌توجهی به زن در مقایسه با توجه به دیگران
۲۵۶	۵- مشکلات ایجابی
۲۵۶	۶- عدم هم‌دلی و هم‌دلی
۲۵۷	۷- عدم تعادل روحی
۲۵۷	۸- بددل و شکاک بودن مرد
۲۵۷	۹- انتخاب نادرست همسر
۲۵۸	۱۰- نادیده گرفته شدن نیازها
۲۵۹	شان نزول آیه‌ی شریفه
۲۶۰	۱۱- نادیده گرفته شدن انتظارات زن توسط مرد
۲۶۱	۱۲- نادیده گرفته شدن نظرات
۲۶۲	۱۳- عدم توجه به نیازهای روحی و عاطفی و جنسی طرفین
۲۶۶	۱۴- طلاق، آخرین راه‌کار
۲۷۱	۱۵- دنیاطلبی
۲۷۱	شان نزول آیه‌ی شریفه
۲۷۲	۱۶- خشونت جنسی در خانواده
۲۷۳	الف: دیدگاه جامعه‌شناسی
۲۷۳	۱- تبیین علی خردنگر
۲۷۴	۲- تبیین علی کلان‌نگر
۲۷۵	۳- تبیین تفسیری
۲۷۶	ب: دیدگاه اسلام
۲۷۹	نتیجه

بخش سوم: آثار طلاق عاطفی

۲۸۲	مقدمه
-----	-------

فصل یکم: آثار فردی

۲۸۵	آثار فردی
۲۸۵	۱- حسد و آثار فردی و اجتماعی آن
۲۸۷	۲- آثار سوءظن
۲۹۰	۳- آثار وسوسه
۲۹۰	الف: منفی بافی
۲۹۱	ب: بی‌نشاطی
۲۹۲	ج: بدگمانی
۲۹۶	۴- آثار زبان‌بار فقر

فصل دوم: آثار خانوادگی

۲۹۷	آثار خانوادگی
۲۹۷	۱- طلاق عاطفی و آثار معوّب آن بر فرزندان
۲۹۸	۲- انتقام‌جویی فرزندان دست‌در طلاق عاطفی
۳۰۰	الف: بچه‌های طلاق عاطفی
۳۰۱	ب: والدین پرخاش‌گر
۳۰۱	ج: فقدان مهارت در حل تعارض
۳۰۲	د: عدم توجه به تقویت یکدیگر
۳۰۳	هـ: استرس، رنجش و خشم
۳۰۳	و: شرایط سنی و شخصیتی
۳۰۳	ز: اشتغال زن و آثار آن در خانواده
۳۰۶	۳- تمکین و نشوز
۳۰۷	الف: موارد نشوز زن
۳۱۰	ب: نشوز مرد
۳۱۰	شان نزول آیه

فصل سوم: آثار اجتماعی

۳۱۵	آثار اجتماعی
۳۱۵	۱- عدم اعتماد
۳۱۶	۲- تمامی (سخن‌چینی)
۳۱۷	۳- حسد
۳۲۱	الف: مشکلات طلاق عاطفی

۳۲۱	ب: مشکلات اجتماعی
۳۲۲	ج: مشکلات فرزندان
۳۲۲	۱- توقعات نامحدود زن یا مرد
۳۲۲	۲- حاکم شدن روح تجمل پرستی
۳۲۳	۳- دخالت های بی جای اقوام
۳۲۳	۴- بی اعتنائی زن و مرد به خواست یکدیگر
۳۲۳	۵- عدم تناسب فرهنگ خانوادگی
۳۲۵	نتیجه

بخش چهارم: پیش گیری و درمان طلاق عاطفی

۳۳۰	مقدمه
-----	-------

فصل یک: حقوق اجتماعی در قرآن

۳۳۱	حقوق اجتماعی در قرآن
۳۳۴	الف: پیش گیری بهتر از درمان
۳۳۶	ب: عوامل پیش گیری
۳۳۶	۱- اخلاق اسلامی
۳۳۸	۲- عفو
۳۴۷	۳- محبت و اعلام آن
۳۵۳	۴- کم توقعی
۳۵۵	۵- تغافل یا خود را به فراموشی زدن
۳۵۷	۶- خشم و غضب
۳۵۸	۷- سلامت یابی زوجین
۳۶۰	۸- رشد و تکامل شخصیت زوجین
۳۶۱	۹- روابط عاطفی و جنسی و نقش آن در استحکام خانواده
۳۶۵	۱۰- پیش گیری از آسیب های فرهنگی خانواده

فصل دوم: عوامل درمان طلاق عاطفی

۳۶۷	۱- اولین شیوهی قرآن
۳۶۷	ارضای مشروع نیازهای عاطفی و جنسی زوجین
۳۶۸	۲- دومین شیوهی قرآن
۳۷۴	۳- سومین شیوهی قرآنی در درمان
۳۷۶	۴- قرآن و درمان نشوز زن و مرد

۳۷۸	هـ. حل نشوز زن در قرآن کریم
۳۷۸	الف: فَعِظُوهُنَّ
۳۷۹	ب: وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ
۳۷۹	ج: وَاضْرِبُوهُنَّ
۳۸۳	نشوز مرد
۳۸۴	ع. صلح، حفظ حریم زوجیت
۳۸۶	۷- غذا درمانی
۳۸۷	۸- حکمیت و شقاق
۳۹۰	۹- بیت فرزند
۳۹۰	۱۰- رِق عاطفی از دیدگاه روان‌شناسان و اساتید دانشگاه
۳۹۱	۱۱- طلاق عاطفی از منظر اسلام

فصل سوم: بررسی و درمان طلاق عاطفی

۳۹۳	بررسی و درمان طلاق عاطفی
۴۰۰	۱- بازیابی صمیمیت
۴۰۳	۲- مهارت حلّ مسأله
۴۰۴	۳- مراحل حلّ مسأله
۴۰۵	استنتاج
۴۱۴	فهرست منابع و مآخذ

الحمد لله رب العالمين، نحمده و نشكره و نستغفره و نتوب إليه و نستعينه و نتوكل عليه، الذى خلق عباده من ذكر و انثى و اختار الاسلام ديناً لنا و ضمنه شريعة هى خير نظام للحياة و احلّ النكاح و حرّم الزنا و السفاح. الصلوة والسلام على النبى الاعظم والرسول الاكرم، اشرف الانبياء والمرسلين، سيدنا و سيد الكونين، ابى القاسم محمد و آله الطيبين الطاهرين - سيما بقيّة الله فى الارضين - و على اصحابه الذين صدقوا ما عاهدوا الله عليه، و على من والا هم و اتبع هداهم - ملء التهم و سار على منهمهم إلى يوم الدين.

خداوند!

آن‌گاه که زلف معطر سحر را با الحش، طایى خورشید زینت می‌بخشی، قوی سپید مهتاب را زیر پرده‌ی آبی‌رنگ آسمان می‌کشی و تگرگ بلورین نور بر چهره‌ی آفرینش می‌پاشی و به چشم کم‌نور عاشقانت - بار بینایی برمی‌افشانی و از صورت دل‌هایشان پرده‌ی امیال را به یک سو می‌زنی تا به رمزی دیگر از رموز جدول اسرار پی ببرند.

ای کریم!

وقتی که خورشید در برابر جلال تو سر تعظیم فرود می‌آورد و درختان شاخه‌های خود را به قصد قنوت به سوی آسمان بالا می‌کشد و پرندگان عشق با نغمه‌های روح‌پرور خود از نوای فطرت به ترتّم درمی‌آیند و صدای دل‌کش شوق و طنین دست‌افشانی جذبه‌ی حق به گوش جان عشاق می‌رسد، جان‌های مشتاق در قفس کوچک جسم توّلّد دوباره می‌یابد و جلوه‌ی جمال جمیلت را در آینه‌ی آفرینش روشن‌تر مشاهده می‌کند.

ای عزیز!

به زن مقام رضا بخشیده‌ای تا در وادی محبت به تربیت پردازد و پرچم سبز هدایت را برافرازد و به مرد مقام قضا بخشیده‌ای تا به دیده‌ی فرقان نگردد و حق را از باطل تشخیص دهد. اکنون که بوی دل‌نواز مهرت باغ صفا را معطر ساخته، دل‌های صفاجو را از باغ طراوت معرفت بی‌نصیب مگردان.

ای بنده‌نوازا!

تر در کارگاه عدم نقوش شگفت‌انگیز هستی را ساخته‌ای و آهنگ روح‌پرور آفرینش را در گوش حیات نواخته‌ای، رشته‌ی ظریف وجود در دست قدرت توست. در میان مهتاب سکوت آفریده‌ای تا بندگانت به راز شب پی ببرند. پس پرتو شاستگ بر چشمان ما برافشان تا در تجلی‌گاه عالم جلوه‌های شگرف و روشن تو را مشاهده کنیم و آینه‌ی دل‌مان را از غبار کینه پاک گردان تا سایه‌ی آن قامت بلند را به بلندای آفتاب تماشا کنیم.

یا رب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده
بشمار بینا جان آگاه و دل بیدار ده
هر سر موی حواس من به جایی می‌رود
این پریشان سیر را در بزم وحدت جای ده
مدتی گفتار بی‌کردار کردی مرحمت
روزگار را بهم مرا کردار بی‌گفتار ده

ای آفریننده!

حلاوت‌های زودگذر امیال نفسانی را در مشام چشم ما تلخ گردان و زبان‌مان را از اظهار طامات بازدار و بر چهره‌ی چشمان‌مان پرده‌ی عفت فروکش و زبان‌مان را بر بیان حقایق روان گردان و بر کوزه‌ی شفاف روح‌مان آب آرامش ذکر فرو ریز تا هر روز نکته‌ای از مکتب‌خانه‌ی تهذیب و تزکیه فراگیریم و در کوچه‌های بیهودگی به بازی نپردازیم.

ای خدا ای فضل تو حاجت روا با تو یاد هیچ کس نبود روا
این قدر ارشاد تو بخشیده‌ای تا بدین بس عیب ما پوشیده‌ای
قطره‌ی دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریا‌های خویش

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در قرآن مجید، مطرح است خانواده است. خانواده، خشت اول بنای اجتماع است و اگر خانواده‌ها سالم و متعالی و استوار باشند، می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم و متعالی و استوار، امیدوار بود؛ هم‌چنان که اگر خشت یا آجر سالم و محکم داشته باشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که ساختمانی محکم و مستحکم بر سرپای آوریم. طلاق مهم‌ترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادین بخش جامعه، یعنی خانواده است.

عامل مهم جهت اقدام به از راحه و تداوم موفقیت‌آمیز آن در طی زندگی مشترک، نیاز به محبت است که نباید بگذاریم بروز مسایل و مشکلات در زندگی، این نیاز را در ما خاموش کند. اگر آن غفلت کنیم، حتی اگر به دنبال زندگی مرفه و بدون مشکلی هستیم، در وهله‌ی اول باید همسری سالم و بانشاط داشته باشیم. حتی اگر یکی از دو طرف، از روی دود فکری بیشتر از آن‌که به فکر طرف مقابل خود باشد، به فکر سعادت و رفاه خود باشد، طرف مقابل باید کاری کند که نشاط و سلامتی روحی و جسمی همسر خویش را به بهترین وجه ممکن فراهم کند. امر طبیعی در هر زندگی مشترک، وجود خوشی‌ها و شادی‌ها در کنار مشکلات و ناملایمات است. مهم‌ترین عامل موفقیت در مبارزه با مشکلات، ایجاد استقامت و دل‌گرمی در یک‌دیگر است تا در سایه‌ی این عامل مهم، موانع از سر راه برداشته شود و زندگی روال عادی خود را پی گیرد.

چرا که خلقت انسان به نحوی است که وجدان پاک او در مقابل یک‌دیگر احساس مسئولیت می‌کند و این احساس مسئولیت در قبال هم، موقعی که بین افراد انسانی علقه و خویشاوندی وجود داشته باشد، دوچندان می‌گردد و بدیهی

است که اگر این فقر و فلاکت دامن‌گیر نزدیکان وی گردد، انسان را وادار به چاره‌جویی می‌نماید.

به‌دلیل این‌که در وجود سراسر شگفتی انسان، هم تعاون است، هم تنازع. هم دست‌گیری و کمک است تا حدّ ایثار و هم پامال کردن، تا سر حدّ درزنده‌خویی و دیوسیرتی و ددمنشی.

شما فکر می‌کنید کدام یک اصیل است؟ تعاون یا تنازع؟

در مین فلاسفه و متفکران، ارسطو انسان را مدنی بالطبع می‌دانست و معتقد بود که فرد انسان متمایل به جامعه و زیستن اجتماعی است و صد البته که لازمه‌ی تمایل به جامعه، وجود حسن تعاون، در نهاد آدمی است. بعدها فرانسیس بیکن هم بر وجه چنین میلی در نهاد انسان تأکید و اصرار کرده است.

اما داروین و اتباع و دنباش، درست نقطه مقابل ارسطو و بیکن قرار دارند و معتقدند که آن حسن اصلی که بر وجود آدمی حاکم است، حسن تنازع بقاست و هرجا تعاونی دیده می‌شود، در ابتدا با همان تنازع بقاست، یعنی تنازع بقا، انسان‌ها را وامی‌دارد که برای مقاومت در برابر دشمن، دست اتحاد و تعاون به یک‌دیگر بدهند و اگر تنازعی نبود، تعاون هم نبود.

از این حرف‌ها که بگذریم، هیچ دلیلی برای اصالت حسن تعاون، در وجود آدمی، محکم‌تر از این نیست که انسان‌ها با تشکیل خانواده و بستن پیمان زناشویی، از جریان زندگی فردی به جریان بزرگ‌تر و شریک زندگی خانوادگی می‌پیوندند و با تعاون و هم‌کاری به زندگی خود ادامه می‌دهند.

برحسب ملاحظات اخلاقی، هرچه انسان‌ها به سوی تعاون گام برمی‌دارند، مقام انسانی خود را بالاتر می‌سازند و هرچه به سوی درزنده‌خویی و گرگ‌صفتی حرکت می‌کنند، مقام انسانی خود را پایین‌تر و به حدّ صفر می‌آورند.

از آن موقعی که تقدیر الهی نقش خلقت را بر صفحه‌ی وجود نگاشت و اراده‌ی ازلی ایجاد موجودات را بر اساس نظم و هم‌آهنگی تقدیر کرد و با اعلان

«وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ»^۱. این حقیقت را روشن ساخت که آفرینش مخلوقات بر پایه‌ی جفت بودن، صورت گرفته است.

برای این که جفت‌گرایی انسان، به زندگی ارزش و اعتبار می‌دهد، آن‌هایی که جفت‌گرا نیستند - مجرد زندگی می‌کنند یا در عین ازدواج، مجردگونه به سر می‌برند - ارزش و اعتبار ندارند. جفت‌گرایی انسان، حتی در عبادات انسان نیز اثر می‌گذارد و به همین جهت، این مقدمه را به نورانیت کلام امام صادق علیه السلام منور می‌کنیم.

عَنْ زَيْنَا بَصَاقٍ علیها السلام رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا أَعْرَبٌ^۲ «محمّد ترجمه‌ی این سخن شریف آن است که: دو رکعت نماز کسی که ازدواج نکرده، از هفتاد رکعت نماز کسی که مجرد زندگی می‌کند، برتر است.

و یا در روایت دیگری از حضرت مولانا الافضل و مولانا الاكمل ختم رُسل و زین رُسل محمد مصطفی صلی الله علیه و آله مروی است که فرمودند: «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعَرَبُ»^۳. یعنی اکثر اهل نار عذاب هستند. چون عرب حساس مسئولیتش کم است.

متفکران و جامعه‌شناسان، طلاق را یکی از آسیب‌های اجتماعی به شمار آورده، بالا رفتن میزان آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماع محسوب می‌دارند. اما آن‌چه که بدیهی است وقتی صحبت از طلاق می‌گردد، نه به در ذهن ما تداعی می‌شود طلاق قانونی است که در اثر آن رابطه‌ی زن و مرد به کلی قطع شده و بنیان خانواده از هم می‌پاشد. و به تعبیری طلاق است که همه‌ی مردم آن

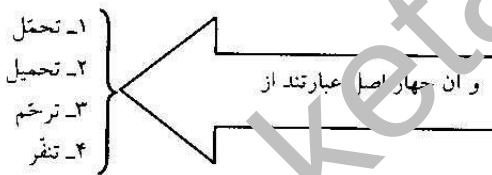
۱ سوره‌ی الذاریات، آیه‌ی ۴۹.

۲ اصول الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی، محقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۵، ص ۳۲۸ - وسائل الشیعه، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، ج ۳۰، ص ۱۸ - بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، ج ۷۹ ص ۲۱۱ - تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن طوسی معروف به شیخ الطائفة، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

۳ من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه القمی، ج ۳، ص ۳۸۴ - وسائل الشیعه، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، ج ۲۰، ص ۲۰.

را می‌شناسند و آن طلاق رسمی و دفترخانه‌ای است، به این معنی که یک زوج برای پایان دادن به زندگی مشترک‌شان در محضر رسماً از هم جدا می‌شوند و خود این طلاق اقسامی دارد که می‌توانید به کتاب طلاق قضایی و آرای دیوان عالی کشور مراجعه کنید.^۱ وَ لَمَّا سَيَأْتِ تَفْصِيلاً، اِنْتَظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ.

اما مراد مؤلفین در این اثر طلاق است که اکثر زوجین به آن گرفتار شده و آن را نمی‌شناسند، که آن همان طلاق عاطفی است، طلاق عاطفی که همان طلاق احساسی است و از نظر عاطفی ازدواج پایان یافته و جدایی حاصل شده است برای این سه آدر بسته‌ی دو نفر در زندگی برپایه‌ی چهار اصل زیر باشد دیگر آن جا جایی برای زندگی نیست.



به توضیح این‌که اگر از کسی که به رینخچه‌ی زندگی مشترک خود و شناخت نسبی که از هم دارند برسند، اگر فرار باشد دوباره از هم خواستگاری بکنند آیا حاضرند باز هم با هم ازدواج کنند؟

سه‌گونه پاسخ خواهیم شنید:

۱- یا می‌گویند: بله! حتماً و بدون شک! که از نظر این دو نفر در این شرایط دارند با هم زندگی می‌کنند.

۲- ولی اگر پاسخ، نمی‌دانم بود و یا اگر کس بهتری نبود می‌گوییم این‌ها شبه‌خانواده هستند و یا دکور خانواده.

۱- طلاق قضایی و آرای دیوان عالی کشور، هوشنگ گل محمدی، ص ۵۲۱.